

ماهیت فضاهای جمعی شهرهای امروز قفقاز

ریحانه حجتی

کارشناس ارشد معماری منظر
Reyhane.hojjati@yahoo.com

این مقاله برگرفته از طرح تحقیقاتی «هنر و تمدن قفقاز» و برداشت‌های میدانی سفر مطالعاتی آن در سال ۱۳۹۲ است که در مرکز پژوهشی نظر انجام شد.

چکیده

شناخت منظر شهری مستلزم آشنایی با سرگذشت شهر است. عوامل مختلف طبیعی، تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی از جمله مواردی است که بر شکل‌گیری شهر و در نتیجه منظر شهری آن تأثیر می‌گذارد. این عوامل ممکن است اعتبار یکسان نداشته و نقش یکی از این عوامل در شکل دادن منظر شهری از دیگری پررنگ‌تر باشد. آنچه در شهرهای قفقاز (کشورهای گرجستان و ارمنستان) قابل مشاهده بوده، وجود سه دوره تاریخی (سنت، سوسیالیسم و استقلال) است که نقش پررنگ‌تری را در ساخت منظر شهرها ایفا می‌کنند. در این میان حکومت شوروی به واسطه نگاه ویژه فلسفه سوسیالیسم به شهر تأثیر بیشتری در تغییر منظر شهرهای این منطقه داشته است. حکومت‌های سوسیالیست با برنامه‌ریزی و تدوین چارچوب‌هایی دستوری در شهر برای ایجاد تساوی در میان مردم باعث ایجاد تغییرات عمده‌ای در منظر شهر و مؤلفه‌های آن شدند. در این دوره فضاهای جمعی به معنای فضای تعاملی مردم یک شهر جای خود را به نقاط عطفی با مقیاس فرانسوی می‌دهند که تنها برای تجمعات سیاسی کاربرد داشته‌اند. امروز شهرهای این منطقه با رویکردی مشابه، با هدف جهانی‌شدن و با تقلید از شهرهای اروپایی، فارغ از توجه به آداب و سنن مردم این سرزمین در حال ساماندهی توسط مدیران هستند. این امر موجب شده شهرهایی که همچنان مردمی با الگوهای رفتاری سنتی در آن زندگی می‌کنند، تنها ظاهری نمایشی داشته باشند که روح جمعی در فضای آنها جریان ندارد و اندیشه جامعه‌محور در ساخت آنها نقشی ندارد. این نوشتار تأکید دارد موفقیت فضاهای جمعی در توجه به الگوهای رفتاری و نیازهای مردم شهر است و باید براساس اندیشه انسان‌محور و جامعه‌محور بنیان شود؛ اتفاقی که در شهرهای قفقاز نیفتاده است.

واژگان کلیدی

منظر شهری، فضای جمعی، قفقاز، تعامل اجتماعی، جامعه‌محوری، جهانی‌شدن.

مقدمه

موجود در بطن جامعه شهری شکل می‌گیرد و به همین سبب جزئی جداناپذیر از منظر شهر است. فضای جمعی، نمود کالبدی ساختارهای ذهنی و فکری ساکنان شهر و آینه تمام‌نمای سیاست‌ها، افکار، اندیشه‌ها و فرهنگ هر ملت است و یکی از مهم‌ترین عناصر ساخت منظر شهر در ادوار مختلف تاریخ یک ملت به حساب می‌آید.

این عناصر که فعالیت‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در آنها جریان دارد، همیشه با قلب تاریخ شهر می‌تپد و سرگذشت آن را روایت می‌کند. در طول تاریخ، میزان انطباق الگوهای مکان‌یابی عناصر مهم شهری با اندیشه‌های ایدئولوژیک یک جامعه از اصالت آن حکایت می‌کند (عرفانی، ۱۳۸۹).

در میان فضاهای مختلفی که برای انواع فعالیت‌های اوقات فراغت شناخته می‌شود، فضاهای جمعی شهر، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند که در آن، انسان‌ها گرد هم می‌آیند تا یکدیگر را ببینند، روابط متقابل ایجاد کنند و تجربیات معنوی و اجتماعی خود را در معرض شناخت و استفاده یکدیگر قرار دهند (منصوری، ۱۳۸۰).

فضاهای جمعی، فضاهایی خودبنیاد و ارگانیک هستند که اهمیت آنها به دلیل حضور اجتماعی ساکنین پررنگ‌تر می‌شود و مکان تجربه زندگی شهروندی است (آتشین‌بار، ۱۳۸۹). این فضاها تنها عناصری از شهر هستند که اکثر مردم در آنها به محیطی برآمده از علایق، ارزش‌ها و عناصر هویتی خویش دست پیدا می‌کنند. حضور و وجود خاطرات مشترک در فضا عاملی پیونددهنده است که موجب سرزندگی محیط شهری، گسترش حیات مدنی و افزایش سطح تعاملات اجتماعی در میان مردم جامعه و مراجعه‌کنندگان به محیط می‌شود.

مطالعه تاریخی و تحلیل نقش‌های متفاوت فضاهای جمعی به خوبی تأثیر سیاست و تفکر هر دوره را بر عملکرد فضای جمعی در شهر نمایش می‌دهد. به طور مثال میدان‌های شهری در شهرهای سنتی تا حد زیادی نقش فضاهای جمعی را در این شهرها ایفا می‌کرده‌اند. میادین شهری یکی از اجزای اصلی فرهنگی و اجتماعی شهرها و از ارکان اساسی شکل‌گیری و تکامل شهرهای ایران بوده‌اند. در گذشته بیشتر فعالیت‌های اقتصادی و عملکردهای گوناگون حکومتی و اجتماعی در این فضاها انجام می‌گرفته است (رضایی و عباسی، ۱۳۸۹). باید توجه داشت تفاوت بین نقاط عطف و فضاهای شهری با فضاهای جمعی در ماهیت اجتماعی و جامعه‌محور بودن آن است. فضای جمعی محل شکل‌گیری خاطرات جمعی مردم یک شهر است که حس تعلق به مکان را در هر شهر افزایش می‌دهد. در نتیجه یکی از مؤلفه‌های استراتژیک منظر شهری است که می‌تواند تا حد زیادی بیان‌گر خصوصیات هر شهر نیز باشد.

سوسیالیسم و شهر

شهر سوسیالیستی، محصول اندیشه‌های برخاسته از تفکرات

منظر شهر، به عنوان محل جلوه یا بروز اندیشه حاکم بر شهر، همواره متأثر از عوامل گوناگونی بوده است. از عوامل مؤثر بر منظر شهرها رویکردهای حاکم در هر دوره است که بنا بر مبانی فکری و نظری‌شان نه تنها کالبد شهرها را دستخوش تغییر کرده‌اند بلکه روح و متافیزیک آن را تحت تأثیر قرار می‌دهند و منظر شهر را می‌سازند. شاید به نظر برسد فضاهای جمعی به واسطه ماهیت آنها که وابسته به روابط مردمی و تعاملات اجتماعی است، کمتر تحت تأثیر سیاست‌ها و رویکردها قرار گیرد، اما در عمل ثابت شده نوع نگاه سیاستمداران و برنامه‌ریزان شهری به شهر منجر به تغییرات عمده‌ای در شهر می‌شود و تا حد زیادی بر اقبال یا عدم اقبال عمومی از شهر و فضاهای شهری و در نتیجه فضاهای جمعی تأثیر می‌گذارد. بنابر مشاهدات و تحقیقات میدانی می‌توان گفت قبل از استعمار حکومت شوروی، فضاهای جمعی شهرهای منطقه قفقاز (کشورهای مورد بازدید، گرجستان و ارمنستان) منطبق بر الگوی شهرهای سنتی و فضاهای جمعی آن نیز منطبق بر اتفاقات جمعی و فعالیت‌های گروهی شهروندان شکل گرفته بود. حکومت شوروی به عنوان نقطه عطفی در تاریخ این منطقه چنان تأثیری بر منظر شهرها گذاشت که سهم تاریخی و جغرافیایی بستر شهر را تا حد زیادی نادیده گرفت. در این دوره شهرها و گذشته آنها به واسطه رویکرد تاریخ‌زدای کمونیستی تا حد زیادی از بین رفت و شهرها با تفکر اقتدارگرا و عدالت‌محور سوسیالیستی شکل دیگری به خود گرفتند. در نتیجه آنچه امروز از منظر شهرهای قفقاز درمی‌یابیم بیشتر محصول دوره حکومت کمونیستی شوروی و دوره استقلال است. پس از بررسی اجمالی مفهوم فضای جمعی، ابتدا تفکر و نگرش سوسیالیستی و سپس مدیریت شهری معاصر در فضاهای جمعی شهرهای بازدید شده مورد توجه قرار می‌گیرد. این نوشتار با استفاده از مشاهدات میدانی و تحلیل نمونه‌های مورد بازدید و نیز مطالعه سابقه تاریخی و اندیشه‌های حاکم بر شهرهای منطقه قفقاز قصد دارد فضاهای جمعی شهرهای این منطقه را مورد تحلیل قرار دهد.

فرضیه

رویکرد مدیریت شهری امروز در منطقه قفقاز نسبت به فضای جمعی، رویکردی برآمده از اندیشه حکومت‌محور است. این رویکرد مشابه رویکرد اقتدارگرای کمونیستی با هدف رسیدن به نظام جهانی، فضاهای جمعی شهرهای این منطقه را به فضاهایی نمایشی بدل کرده است که زندگی حقیقی اجتماعی در آنها جریان ندارد و برآمده از روند طبیعی تحولات اجتماع نیستند.

فضای جمعی، تبلور زندگی اجتماعی شهر

فضای جمعی مکانی برای جاری‌شدن رفتارهای مدنی و اجتماعی است که از روابط و مناسبات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

برای قدرت‌نمایی حاکمان زمان بوده است. نمونه‌ای از نقش این مقیاس فرانسوی را می‌توان در کنار بنای دادگستری خیابان روستاولی (Rustaveli Avenue) شهر تفلیس (Tbilisi) به صورت گشودگی فضایی با آب‌نمایی در حاشیه جداره بنای مرتفع مشاهده کرد. عظمت بنا و گشودگی وسیعی که در کنار خیابان قرار دارد، یک ورودی عظیم را برای این ساختمان القا می‌کند که در مقیاس یک فضای جمعی مردم‌محور نیست. مقیاس فرانسوی در میدان اصلی شهر کوتایسی (Kutaisi) در گرجستان و میدان جمهوری (Republic square) ایروان در ارمنستان نیز امکان برخورد و تعاملات روزمره اجتماعی را به حداقل ممکن رسانده است. دیدگاه اقتدارگرا در طراحی باعث شده این فضاهای شهری بدون در نظر داشتن حیات اجتماعی شهر و به صورت دستوری در شهر جانمایی شوند. مشخصات کارکردی فضاهای جمعی می‌تواند بر کیفیت و کمیت جذب مردم برای توقف و تعامل در این فضاها تأثیرگذار باشد (دانشپور و چرخیان، ۱۳۸۶).

• عملکرد

فضاهای جمعی، دومین مؤلفه ساختار و نظام یک فضای جمعی را شکل می‌دهد، از جمله وجود فضاهای کافی برای نشستن و وقوع رویدادهای خاص در فضا از قبیل نمایش‌های خیابانی، هنرهای عمومی و رخدادهای خودسازمان که موجب پیوند بیشتر مردم می‌شود بر جذابیت‌های فضاهای جمعی می‌افزاید. اما فضاهای جمعی در شهرهای سوسیالیستی بیشتر از اینکه محلی برای بروز فعالیت‌های اجتماعی باشند، جایی برای نمایش قدرت حکومت هستند. فعالیت‌هایی مانند تظاهرات یا رژه‌های حکومتی یا نظامی تنها فعالیت‌هایی بوده‌اند که فضاهای شهرهای سوسیالیستی بستر وقوع آن بود و چنین فضاهایی کمتر نقش تعاملی و خاطر‌ساز خواهند داشت.

• زیبایی‌شناسی

کیفیات فضایی یک عرصه عمومی را می‌توان تحت عنوان زیبایی‌شناسی یک فضای شهری عاملی مهم در جذب شهروندان و تعریف یک فضا به عنوان فضایی جمعی مد نظر قرار داد. شهر پوتی (Poti) در گرجستان از جمله شهرهایی است که همچنان تأثیر ایدئولوژی سوسیالیستی به طرز محسوس در آن نمایان است. ساختاری شطرنجی و فضاهای شهری همگن در این شهر، کاملاً به دور از حیات اجتماعی هستند. تکراری و یکنواخت بودن فضاهای این شهر، انگیزه یا جذابیتی را برای حضور شهروندان ایجاد نمی‌کند. همچنین عدم ارجحیت فضاها نسبت به یکدیگر، مانع از شاخص شدن یک فضا به عنوان فضای جمعی اصلی شهر شده است (تصویر ۱). علاوه بر ساختار و شاکله اصلی فضا، عناصر و مبلمان شهری که کیفیت فضایی را متأثر می‌سازد نیز وجهی از زیبایی‌شناسی این فضاهاست. در ورودی ساختمان دادگستری تفلیس، وجود دو سرباز در دو طرف ورودی برای تشدید اقتدار حکومت، از اقدامات مدیریت شهری تفلیس است که سبب سنگینی احساس فضا برای مخاطبان می‌شود و نه تنها آنها را به خود نمی‌خواند بلکه عاملی برای راندن شهروندان از فضای باز شهری است (تصویر ۲).

«مارکس» و «لنین» در دهه ۱۹۲۰ میلادی است. محورهای فلسفی اندیشه‌های بنیان‌گذاران سوسیالیسم را اوضاع نابسامان طبقات ضعیف جامعه و کارگران تشکیل می‌داد. الغای مالکیت زمین و استفاده از اجاره‌های آن برای مقاصد عمومی، اخذ مالیات از درآمدهای سنگین و تصاعدی برای تأمین هزینه‌های جامعه، انحصار تمرکز اعتبار، ابزار ارتباطات و حمل‌ونقل توسط دولت برخی از مهم‌ترین شاخص‌های تبلور اندیشه سوسیالیسم در شهر است (آتشین‌بار، ۱۳۸۹). «مارکس» و «انگلس» فضای شهری را حوزه‌ای می‌دیدند که فرایند درهم‌تنیده انباشت سرمایه و ستیز طبقاتی در آن تمرکز پیدا می‌کند و سبب می‌شود تضاد روبه‌رشد کارگر و سرمایه‌دار به گونه روزافزون نمایان شود (تقوایی و تبریزی، ۱۳۸۴). ویژگی بارز برنامه‌ریزی در شهرهای سوسیالیستی، عدم انعطاف و دستوری بودن آن است. در سال‌های پس از انقلاب‌های کمونیستی پروژه‌های توسعه شهری و منطقه‌ای توسط دولت برنامه‌ریزی و اجرا می‌شد چراکه این برنامه‌ها از نظر سران این کشورها دارای اهمیت سیاسی و اجتماعی بود و می‌توانست نشان‌دهنده قدرت و صلاحیت این دستگاه‌ها باشد (ابراهیم‌پور، ۱۳۸۶). در بررسی فضاهای جمعی در منظر شهرها، می‌توان چهار معیار یا اصل شکل‌دهنده به این فضاها را مورد مطالعه قرار داد.

۱. مقیاس فضا، ۲. فعالیت‌ها و کاربری‌هایی که برای فضا منظور شده است، ۳. جانمایی یا محل قرارگیری آنها در شهر ۴. ویژگی‌های کالبدی و کیفیات فضایی که می‌توان از آنها به زیبایی‌شناسی فضاهای جمعی تعبیر کرد. این معیارها می‌توانند برای سنجش میزان اجتماع‌پذیری و حیات اجتماعی این فضاها مورد استفاده قرار گیرند. لازم به ذکر است هر یک از اینها می‌تواند بخشی از تعریف فضای جمعی و چگونگی جریان حیات اجتماعی در آن را به دنبال داشته باشد.

فضاهای جمعی دوران سوسیالیسم، نمایش اجتماع یا قدرت؟

• مقیاس

فضاهای جمعی به نسبتی اطلاق می‌شود که آن فضا با کاربران خود برقرار می‌کند. فضایی که در نقش عرصه‌ای عمومی و جمعی برای شهروندان در بستر شهر ظاهر می‌شود، می‌بایست در مقیاسی انسانی و در خدمت فعالیت‌هایی باشد که افراد در تعاملات اجتماعی خود به آن می‌پردازند. در شهرهای منطقه قفقاز، نقاط عطف شهری به عنوان یکی از مؤلفه‌های استراتژیک برای بیان برابری اجتماعی و اقتدار مورد توجه دولت‌های کمونیستی قرار گرفت. در این دوره فضاهای جمعی شهرهای سنتی جای خود را به فضاهای شهری بزرگ مقیاس می‌دهند. در شهرهای سوسیالیستی از فضاهای شهری، به عنوان مراکز تجمع و میدان‌های عمومی برای گردهمایی‌های باشکوه و تظاهرات استفاده می‌شود (Szeleni, 1966). از این رو مقیاس فضاهای جمعی در این شهرها مقیاسی فرانسوی است که تنها ابزاری



تصویر ۱. شهر پوتی نمونه بارزی از یک شهر سوسیالیستی است که در آن فضای جمعی جایگاهی نداشته و تنها فضاهای شهری بزرگمقیاس در آن دیده می‌شود، گرجستان، عکس: زهره شیرازی، آرشیو مرکز پژوهشی نظر، ۱۳۹۲.

تصویر ۲. فضای ایجاد شده در کنار خیابان روستاولی شهر تفلیس نشان‌دهنده این است که در شهرهای کمونیستی این فضاها تنها برای بیان اقتدار حکومت ایجاد شده و برقراری تعاملات اجتماعی در آنها نقشی نداشته است، تفلیس، گرجستان، عکس: زهره شیرازی، آرشیو مرکز پژوهشی نظر، ۱۳۹۲.



فضاهای جمعی علاوه بر ساختار همگن کالبدی و یکنواختی، غالباً با مجسمه و سمبل‌های سوسیالیسم آراسته شده است که در جهت القای هرچه بیشتر قدرت و اقتدار حکومت برای مردم است.

• جانمایی

شهر به عنوان پیکره‌ای که از عناصر و واحدهای مختلف اجتماعی و کالبدی تشکیل شده است، برای هریک از عناصر خود بنا بر ایدئولوژی حاکم بر مدیریت شهری جانمایی و مکان‌یابی مشخصی دارد. جانمایی فضاهای جمعی شهر نیز به دنبال اهدافی که حاکمان پی می‌گیرند، دستورالعمل ویژه‌ای خواهد داشت. در شهرهای سوسیالیستی مانند شهر کوتایسی در کشور گرجستان، میدان اصلی شهر، قلب بافت تاریخی را شکافته است. یا خیابان روستاولی مانند برشی عریض در بافت تاریخی مسافت زیادی را طی کرده و به میدان جمهوری می‌رسد. جانمایی میادینی مانند جمهوری در شهر تفلیس، یا آزادی در شهر ایروان نشان از رویکرد مدیران شهری است که آنها را حتی‌المقدور در مرکز کالبدی شهر در نظر گرفته و نه با مرکزیت‌فعالیتی شهروندان. در این جانمایی نیز مشاهده شده که اساساً حضور اجتماع مردم برای برقراری تعاملات مدنی موضوعیت نداشت.

از سوسیالیسم تا گلوبالیسم^۱

در سال‌های آخر قرن ۲۰ و اوایل قرن ۲۱ میلادی با ورود تکنولوژی جدید ارتباطی، افزون‌تر شدن قدرت شرکت‌های فراملی و فروپاشی بلوک سوسیالیست، جهان وارد عرصه جدیدی از تعاملات اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی شد (رحمت‌اللهی، ۱۳۸۴). روش مدیریت شهرها، سیاست‌های اقتصادی شهر، سلسله‌مراتب شهری، ارتباط کلان‌شهرها و جهان‌شهرها با یکدیگر و سایر نواحی شهری از جمله مسایلی است که تحت تأثیر فرایند جهانی شدن قرار گرفته‌اند (رضایی و عباسی، ۱۳۸۹). پس از فروپاشی حکومت شوروی، منطقه قفقاز نیز به کشورهای مستقلی تقسیم شد و هر کشور سیاست‌های مختلفی را در راستای توسعه پیش گرفت. در این میان برخی کشورهای نجات‌یافته از بند سوسیالیسم برای پیوستن به نظام جهانی و عقب‌نماندن از قافله تکنولوژی غربی، با الگوبرداری از کشورهای توسعه‌یافته، سیاست‌های توسعه شهری خود را تدوین کردند. در این میان باید توجه داشت فرایند جهانی شدن نه مثبت و نه منفی است. جهانی شدن نوعی انطباق بوده و به توازن انطباق کشورها به شرایط جدید وابسته است (رحمت‌اللهی، ۱۳۸۴). در کشورهای گرجستان و ارمنستان سیاست‌هایی که با هدف پیوستن به اتحادیه اروپا توسط دولت‌ها دنبال می‌شود به تقلید صرف و بریدن از هویت و اصالت بومی معطوف شده است. بنابراین فرایند جهانی شدن در وجوه مختلف توسعه از جمله توسعه منظر شهری رویه‌ای منفی و سیری نزولی داشته است.

فضاهای جمعی پس از استقلال، هویت‌مند یا تقلیدی؟

دولت‌های کمونیستی علی‌رغم ایجاد فضاهای شهری، برنامه‌ریزی

خاصی برای ایجاد فضاهای جمعی به معنای فضایی برای تعامل و ارتباطات اجتماعی نداشته‌اند. مدیریت شهری با فراموش کردن فرهنگ و سنت مردم در منظر شهر روندی مشابه قبل را دنبال می‌کند. اگر شهرهای سوسیالیستی با اهداف اقتدارگرایانه منظر شهرها را به شهرهایی خالی از مردم تبدیل کردند، امروز تقلید کورکورانه از شهرهای اروپایی و قرارگرفتن عنان گسیخته در جریان جهانی شدن توسط مدیریت این شهرها موجب شده نتوان چهره این شهرها را به صورت شهرهایی مردمی درک کرد.

• مقیاس

از آنجا که ساختار کلی اکثر شهرهای منطقه همان ساختار دوران استعمار را حفظ کرده‌اند، و فقط در لایه‌های روبنایی دچار تغییر شده‌اند، می‌توان گفت آنچه پیرامون مقیاس فضاهای جمعی در دوران استعمار شرح داده شد، در این دوره نیز تکرار می‌شود. مدیریت شهری دوره استقلال به دنبال ایجاد فضاهای جمعی جدیدی در مقیاسی انسانی یا شهروندی نبوده و تنها به آراستن میادین کمونیستی با شکل‌های مدرن و اروپایی روی آورده است. مقیاس فضاهای جمعی در این دوره همچنان فرانسوی و خارج از ابعاد فعالیت‌های جمعی شهروندان است.

• عملکرد

عملکردهای فضاهای جمعی در دوره استقلال براساس رویکرد متفاوت با قبل از استقلال ایجاد شده‌اند. مغازه‌های لوکس با تابلوهای بزرگ و معماری کلاسیک و اروپایی، استفاده از مصالح مدرن و میلان تقلیدی همه دستاوردهای مدیریت شهرهای منطقه قفقاز به سمت نظامی جهانی است (تصویر ۳). آنها تنها به اقداماتی کالبدی بسنده کرده و رویکردی تقلیدی را در احیای مراکز شهری گزیده‌اند. در شهر کوتایسی الگوهای رفتاری مردم نشان‌دهنده تداوم الگوهای سنتی است و وجود رفتارهای خودسازمان مانند دست‌فروشی، نمونه‌ای از این الگوهاست، اما این الگوها در ساماندهی شهرها نادیده گرفته شده است. در اینجا فضایی متناسب با نیاز شهروندان ایجاد نشده و مردم به سختی و در برخی موارد با استفاده از عوامل الحاقی خود دست به تغییر فضای جمعی زده‌اند تا بتوانند بهره لازم را از فضا ببرند. در قسمتی از خیابان روستاولی شهر تفلیس که به میدان آزادی منتهی می‌شود نیز شاهد فعالیت‌هایی همچون فروش کتاب‌های قدیمی هستیم. در اینجا عناصر فضایی مانند پوشش گیاهی علاوه بر ایجاد فضایی دلنشین‌تر به تعامل میان مردم و ایجاد خاطرات مشترک کمک کرده است. در مقایسه این فضا با سایر قسمت‌های خیابان مانند قسمت ورودی ساختمان دادگستری می‌توان نقش ضعیف توجه به عملکردهای اجتماعی آنها را درک کرد. این در حالی است که مطالعات نشان می‌دهد فضاهای عمومی که مردم در آن قادر به اشتغال به محیط با نگاه‌کردن به سایرین، نشستن، غذاخوردن، فعالیت‌های خرده‌فروشی، ورزشی و اتفاقات دنج باشند برای مردم جذب بیشتری دارند (دانشپور و چرخیان، ۱۳۸۶)؛ (تصویر ۴). در شهر وانادزر (Vanadzor) دومین شهر بزرگ ارمنستان، فضای



تصویر ۳. در مرکز شهر کوتایسی گرجستان استفاده از معماری کلاسیک غربی و میلمان تقلیدی نشان‌دهنده رویکردی است که هدف آن پیوستن به نظام جهانی و اروپایی شدن است. عکس: اریحانه حجتی، آرشیو مرکز پژوهشی نظر، ۱۳۹۲.

تصویر ۴. در طراحی فضاهاى جمعى تفلیس فضایی برای فعالیتهای خودسازمان مردم در نظر گرفته نشده و مردم خود با عناصر الحاقی دست به تغییر فضا زده‌اند، گرجستان، عکس: اریحانه حجتی، آرشیو مرکز پژوهشی نظر، ۱۳۹۲.



به خوبی پاسخگوی نیازهای شهروندان برای ایجاد تعاملات اجتماعی باشد. در طراحی این فضا نه تنها سنت‌های رفتاری مردم شهر، بلکه اصول ابتدایی طراحی فضای جمعی نیز نادیده گرفته شده است. ایجاد آبنمایی در وسط و قراردادن نیمکت در اطراف آن تنها اقدامات صورت‌گرفته در طراحی این میدان به عنوان اصلی‌ترین فضای جمعی شهر است. در طول روز حتی درختی در این فضا وجود ندارد که با سایه‌اش مردم را به استفاده از آن تشویق کند. این فضا در طول روز تنها فضای گذر بوده و فقط در شب است که با کمک موسیقی و رقص فواره‌ها مردم بیشتر از آن بهره می‌برند (تصاویر ۶ و ۷). بدین ترتیب فضاهای جمعی کشورهای گرجستان و ارمنستان بدون در نظر گرفتن بستر اجتماعی-فرهنگی مردمان سرزمین قفقاز در حال شکل گرفتن است.

• زیبایی‌شناسی

اثرات زیبایی‌شناسی فضاهای جمعی این دوره را می‌توان بیشتر در جزئیات افزوده شده به فضا دنبال کرد. استفاده از میلمان شهری با الگوی اروپایی و عدم ساماندهی و طراحی منطبق بر الگوی زندگی مردم، فضاهایی با جمعیت کم و بدون جنب‌وجوش و هیاهوی مردم ساخته که روح جمعی در آنها جریان ندارد (تصویر ۸). استفاده از میلمان شهری تقلیدشده از میلمان پاریس

جمعی اصلی به صورت یک گشایش فضایی در حاشیه خیابان و محصور با بناهای دولتی شکل گرفته است. به لحاظ رویکرد تقلیدی در ساماندهی این فضا، استفاده‌کنندگان ارتباط عمیقی با فضا برقرار نمی‌کنند و تنها حضور فیزیکی مردم خاطراتی سطحی را شکل می‌دهد که به دل‌بستگی مکانی منجر نخواهد شد. این فضا اصلی‌ترین مکان تجمع مردم است. عدم وجود مبلمان مناسب و کافی موجب شده مردم شهر به صورت ایستاده از این فضا استفاده کنند. حتی نورپردازی مناسبی برای استفاده در شب وجود ندارد. حضور مردم در این فضا بیشتر به واسطهٔ پخش موسیقی و فعالیت‌هایی از این دست است. در نتیجه بیشتر افراد حاضر را جوانان تشکیل می‌دهند و جایی برای حضور کودکان و افراد سالمند در نظر گرفته نشده است. این در حالی است که از ویژگی‌های فضای جمعی مناسب آن است که در ساعات مختلف روز قابل استفاده برای تمام گروه‌های سنی باشد (تصویر ۵). از دیگر فضاهایی که از دوره کمونیستی در این کشور برجای مانده و رویکرد حاضر نیز همچنان براساس عدم رشد حیات اجتماعی و تعامل شهروندان در آن شکل گرفته است، میدان جمهوری (Re-public square) شهر ایروان است. فضای جمعی طراحی شده در ضلع شمالی میدان به واسطه عدم طراحی مناسب نتوانسته

تصویر ۵. عدم طراحی مناسب در ساماندهی فضای جمعی شهر وانادزر موجب شده فضای متناسب با نیازهای شهروندان شکل نگیرد. مرکز شهر وانادزر، ارمنستان، عکس: ریحانه حجتی، آرشیو مرکز پژوهشی نظر، ۱۳۹۲.





تصاویر ۶ و ۷. طراحی نامناسب فضای جمعی در میدان جمهوری ایروان موجب شده این فضا در طول روز فضایی خالی از جمعیت و محل گذر باشد، ارمنستان، عکس: ریحانه حجتی، آرشیو مرکز پژوهشی نظر، ۱۳۹۲.

می‌کرده، با مرمت‌های اخیر به کلی ویژگی‌های سنتی خود را در ساختار و عملکرد از دست داده است. احداث کاربری‌های تجاری با دهنه‌های بزرگ که غالب آنها خالی و بی‌رونق بوده و استفاده از میلمان با الگوهای اروپایی محصول رویکرد کالبدمحور غربی است نه برآمده از نیازهای مردم شهر. مردم این شهر نه توانایی مالی برای تملک این فضاهای تجاری را دارند و نه مقیاس فعالیتی آنها با فضاهای جدید ایجاد شده همخوانی دارد (تصویر ۹). نتیجه آنکه این فضای مرکزی که می‌توانست محلی برای عرضه صنایع دستی مردم شهر، برگزاری کارناوال‌های محلی و گفتگوی اهالی

در ایروان نمونه‌ای کوچک ولی قابل اتکا در اثبات رویکرد غرب‌گرای مدیریت شهری در ارمنستان است. شاید به نظر برسد علت اصلی عدم موفقیت فضاهای جمعی، بستر نامناسبی است که در دوره حکومت شوروی در شهرها به وجود آمد. اما در شهر مستیا (Mestia) - یکی از شهرهای توریستی کشور گرجستان - که در دوران حکومت شوروی بافت سنتی خود را همچنان حفظ کرده است، رویکردی مشابه موارد ذکر شده با الگو قراردادن اروپا به مدیریت منظر شهر دارد. در این شهر کوچک فضای مرکزی شهر که در گذشته نقش فضای جمعی را ایفا



تصویر ۸. استفاده از میلان شهری با تقلید از میلان شهری پاریس نمونه‌ای از رویکرد غرب‌گرای مدیریت شهری ایروان است، ارمنستان، عکس: ریحانه حجتی، آرشیو مرکز پژوهشی نظر، ۱۳۹۲.

آن باشد، فضایی بی‌رونق است که تنها رهگذران آن گردشگرانی هستند که می‌گذرند بدون آنکه از زندگی و معیشت مردم این شهر اطلاعی پیدا کنند.

• جانمایی

چنانچه پیشتر اشاره شد، فضاهای جمعی شهرهای منطقه بیشتر در امتداد فضاهای جمعی دوران استعمار در شهر ادامه حیات داده‌اند. بنابراین غیر از نمونه‌ای مانند شهر مستیا، دیگر فضاها همان میادین، خیابان‌ها و عرصه‌های عمومی هستند که در دوران استعمار برای شهروندان در نظر گرفته شده بودند. مرکزیت کالبدی، عدم توجه به مرکزیت اجتماعی و فعالیتی یا حتی بی‌توجهی به ساختار محلی بافت اصیل شهری، نشان از جانمایی دستوری و حکومتی فضاهای جمعی این شهرها دارد.

مدیریت شهری دوران استقلال تنها با رویکرد تقلیدی به دنبال ایجاد لایه‌ای تزیینی برای فضاهای شهری خود است. از این رو در جانمایی این فضاها همان رویه حکومت کمونیستی را دنبال می‌کند.

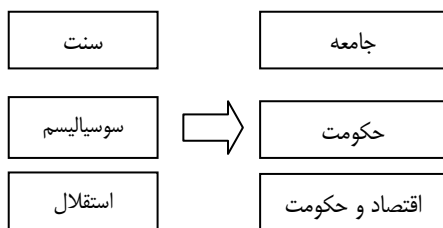


تصویر ۹. مرکز شهر مستیا تنها تقلیدی صوری از نمونه‌های غربی بوده و در آن فعالیت‌های مناسب برای ایجاد تعامل میان مردم شهر در نظر گرفته نشده است، مستیا، گرجستان، عکس: ریحانه حجتی، آرشیو مرکز پژوهشی نظر، ۱۳۹۲.

نتیجه‌گیری

در دوره معاصر و پس از استقلال کشورهای منطقه قفقاز با آنکه از رویکرد کمونیستی حاکم بر مدیریت شهری خبری نیست، اما تجربه ناموفق دوره کمونیستی در حال تکرار است. با این تفاوت که به جای رویکرد اقتدارگرایانه دولت، رویکردی تقلیدی توسط مدیران شهری دنبال می‌شود که تنها به دنبال تکرار فرم‌ها و فضاهای اروپایی در شهرهایشان هستند و به ارتباط مردم شهرها با این فضاها توجهی ندارند (نمودار ۱). در هر دو نمونه، خواست حکومت که به تشخیص خود آنها برترین گزینه خوانده شده به عنوان الگوی حاکم ساخت‌وساز اختیار می‌شود و شکل‌گیری کالبد شهر، نه از طریق توسعه فعالیت‌ها و زندگی اجتماعی و مکان‌گزینی آنها که به شیوه متمرکز و دستوری صورت می‌گیرد. عدم پویایی و فقدان جریان زندگی فعال در فضاهای جمعی شهر بیانگر این رویکرد غلط مدیریتی در شهر است که در ادامه اشتباه کمونیست‌ها، روح حاکم بر شهر را زیر لایه‌های مدیریتی دستوری خود پنهان کرده است.

از نشانه‌های تداوم این اشتباه در مدیریت شهری، آن است که در فضاهای جمعی نوع چیدمان فضا با الگوهای رفتاری و نیازهای شهروندان همخوانی ندارد. مردم برای گذران اوقات فراغت در این فضاها حضور پیدا می‌کنند، اما هیچ فرصتی به آنها داده نشده است تا



نمودار ۱. عوامل اثرگذار بر فضاهای جمعی شهرها در هریک از دوره‌های سه‌گانه تاریخ منطقه. مأخذ: نگارنده.

فضای جمعی خود را شکل دهند. همه ویژگی‌های فضا به صورت دستوری و تقلیدی از نمونه‌های اروپایی است. این تقلید صوری حاصل نگاه ابژکتیو و شیء انگارانه به شهر، منظر شهری و فضاهای جمعی است. اولویت ندادن به بستر اجتماعی - فرهنگی سبب شده تنها صورت زیبا از شهر در نظر باشد که روح اجتماعی و زندگی مردم در تولید آن نقشی نداشته است. مدیریت شهری با هدف شبیه‌سازی شهرها به شهرهای اروپایی، منظر شهری را به عنوان تصویری در یک قاب در نظر گرفته و جنبه کالبدی و عینی آن را تعقیب می‌کند (جدول ۱). در مدیریت منظر شهری، آن را هدف تحقق خواسته‌هایشان می‌شناسد. می‌توان پیش‌بینی کرد چهره آینده قفقاز دیگر نشانی از تاریخ و فرهنگ مردم این سرزمین نداشته باشد و هویت تاریخی و سرزمینی شهرها در پس نگاه یک‌سویه و نادرست مدیریت شهر و روند جهانی‌شدن و پیوستن به جامعه اروپایی از بین خواهد رفت.

جدول ۱. تحلیل شاخص‌های فضاهای جمعی در سه دوره سنت، سوسیالیسم و استقلال در منطقه قفقاز، مأخذ: نگارنده.

دوره تاریخی	عامل شکل‌دهنده به فضا	سنت	سوسیالیسم	استقلال
مقیاس	انسانی و متناسب با فعالیت‌های اجتماعی شهروندان	فرانسانی، بزرگ‌مقیاس، حکومتی و تشریفاتی	فرانسانی، بزرگ‌مقیاس، حکومتی و تشریفاتی	فرانسانی، بزرگ‌مقیاس، تشریفاتی و تزئینی
عملکرد	کاربری‌های خرد تجاری یا تفریحی (دست‌فروشی، استراحت و ...)	تظاهرات و گردهم‌آیی‌های دولتی، تشریفات و رژه‌های نظامی و حکومتی	تظاهرات و گردهم‌آیی‌های دولتی، تشریفات و رژه‌های نظامی و حکومتی	تفریحی، تقلیدی از نمونه‌های غربی و متناسب با الگوهای رفتاری شهرهای اروپایی
زیبایی‌شناسی	کوچک، در بطن بافت تاریخی، در ارتباط با کاربری‌های اطراف، مانند بازار	دستوری، عظیم و عامل گسست بافت قدیمی شهر. در ساختار شهرها به صورت شطرنجی، همگن، تکرار شونده و یکنواخت	دستوری، عظیم و عامل گسست بافت قدیمی شهر. در ساختار شهرها به صورت شطرنجی، همگن، تکرار شونده و یکنواخت	تزئینی، برگرفته و تقلیدی از الگوهای زیبانشناسی اروپایی؛ استفاده از مبلمان شهری کاملاً غربی و تقلیدی
جانمایی	در مرکز محلات و اطراف مراکز خرید محلی، متناسب با مرکزیت فعالیت شهروندان	در مرکز جغرافیایی شهر و بدون توجه به مرکزیت فعالیت‌های جمعی شهروندان	در مرکز جغرافیایی شهر و بدون توجه به مرکزیت فعالیت‌های جمعی شهروندان	در مرکز جغرافیایی شهر در امتداد حیات فضاهای دوران سوسیالیسم

پی‌نوشت

۱. افراد پاینده به گلوبالیسم کل زمین را محیط مادی و افراد روی آن را شهروندان، مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان جهانی می‌دانند و خواهان اقدام جمعی برای حل مشکلات جهان هستند. گلوبالیسم به گسترش فرایند جهانی‌شدن کمک می‌کند. نسبت و رابطه گلوبالیسم با جهانی‌شدن مانند نسبت و رابطه یونیورسالیسم با ایجاد سازمان ملل است (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۲۵).

فهرست منابع

- آتشین‌بار، محمد. (۱۳۸۹). پارادوکس در منظر شهری. مجله منظر، (۶): ۷۳-۷۱.
- ابراهیم‌پور، هوشمند. (۱۳۸۶). شکل و ساختار شهرهای سوسیالیستی از دهه ۱۹۲۰ تا فروپاشی نظام کمونیستی. قابل دسترس در: <http://www.researchgate.net/publication/2506125551920> (تاریخ مراجعه: ۱۰/۵/۱۳۹۳).
- تقوایی، مسعود و تبریزی، نازنین. (۱۳۸۴). مارکسیسم، شهر و برنامه‌ریزی شهری. مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، (۸۰۷): ۱۶۸-۱۷۹.
- چرخچیان، مریم و دانشپور، سید عبدالهادی. (۱۳۸۸). فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی، مجله باغ نظر، (۷): ۲۸-۱۹.
- رحمت‌اللهی، حسین. (۱۳۸۴). جهانی‌شدن و تأثیر آن بر هویت‌های قومی و ملی. اندیشه‌های حقوقی، (۸): ۹۱-۱۱۱.
- رضایی، رحیم و عباسی، محمد. (۱۳۸۹). اثرات جهانی‌شدن بر ماهیت، ساختار و عملکرد شهرها. مجله آمایش سرزمین، (۲): ۱۶۴-۱۸۷.
- رضایی، فرشته و دیگران. (۱۳۸۹). بررسی تطبیقی بین کارکردهای جدید میدان‌های ساعت. خلاصه مقالات همایش ملی منظر شهری. تهران. انتشارات سازمان زیباسازی شهرداری تهران.
- عرفانی، گوران. (۱۳۸۹). مکان‌یابی میدانی کمونیستی، از ایدئولوژی تا عمل. قابل دسترس در <http://nazaronline.ir/fa/pages/?cid=924> (تاریخ مراجعه: ۴/۵/۱۳۹۳).
- گل‌محمدی، احمد. (۱۳۸۱). جهانی‌شدن فرهنگ، هویت. تهران: نشر نی.
- منصور، سید امیر. (۱۳۸۰). فضای جمعی و حیات مدنی. روزنامه حیات نو، ۷ خرداد.
- Szeleni, I. (1996). *Cities under Socialism – and After*. In Gregory Andrusz, Michael Harloe, and Ivan Szelenyi. Oxford: Oxford University Press